تحلیل گفتگان مهدویت در عصر شاه اسماعیل
و شاه طهماسب صفوی (907 – 986 ق)
طرح مسئله

با پرداختن به گفتگو مهدویت در عصر صفویه، می‌توان این دوره تاریخی را از دیگر ادوار تاریخی ایران متمایز ساخت؛ زیرا عصر صفویه، عصر به رسمیت شناخته مذهب تشیع و با تولید رکن اصلی آن - یعنی گفتگون - مهدویت است. توریه (اصتال حكومت صفویه به حکومت امام زمان) و بر جنگی تاریخی این دوره یک حقیقت را به دهد مبادری می‌سازد و این حقیقت آن است که مورخان عصر صفوی تلاش نموده‌اند نظام ارمان‌های ایرانیان را به یک اصل مهم شیعی گره زنند و با تعریفی مناسب با مذهب تشیع، از میراث کهن ایرانیان داشته باشند.

اما در این میان، فقهایی که سال‌های متمادی تلاش کرده بودند، گفتگوی خود را بر جنگی تاریخی به دست آمده میان را خلاصی کرده، به دیدعت و تحریف در تشع ایجاد شود. اگر به توریه سید امیر احمد نظری بیفکنیم که کوشیده است سه گراش ممکن در همه نظام‌های اعتقادات مذهبی نسبت به انتقاد غیردینی را شناسایی کند (11 : 1984 امیر ارجمند) متوحه خواهیم شد برخی فقهای شیعه در عصر صفویه از سه گراش کتاب آمده، مخالفت با نظرات و انتقادات. اما مسیحی گذشت و در نظام‌های فقهی مبتنی بر نسبت فقهی در عصر غیبت فلسفه و بر رویکردی فقهی خویش پای فرشدن و تداوم بخش مکتب حله در ایران گردنده، اما تحقیق آن را به وقی عدیک موکول کردن.

در واقع آنها همین که از قبض به بسط و از اعمال به بسط رسیده و می‌توانستند در این فرصت و میان را به دست آمده به علم و فرهنگ را به (فهی مشارکت) تبدیل کنند، رضایت کامل داشتند و تلاش می‌کردند با حفاظت صفویه، چشم‌اندازی امیدبخش را فراوری گفتگو مهدویت امIRM امیر احمد و با سازماندهی انجام شیعه، خلاً حضور امام عصر را بر کنند و راه را برای تحقق گفتگوی خویش در آینده هموار می‌بایست. بر اساس توضیحات فوق، با طرح سوالات ذیل، تلاش می‌شود دو گفتگو و در برداشت مفایت از مهدویت در عصر غیبت را در نظر نخستین عصر صفوی با ایجاد دو سؤال مهم
مورد بررسی قرار داده شده مفهوم گفتمان در عصر صفویه مؤثر بودن؟
- چه مفصلی بندی‌هایی در استمرار گفتمان مهدونیت در عصر صفویه مؤثر بودند؟
- یا نشان‌های تشکیل دهنده هر کدام از این مفصل‌بندی‌ها چه بودند؟

اندیشه مهدونیت در عهد صفویه در خلال آثاری چون اصفویان در عرصه دین و فرهنگ و سیاست تأثیر رسول جعفریان، گفتمان نجات بخشی در عصر صفویه اثر نسبی خلیلی، ایبران عصر صفویه اثر انداز و نیز کتاب اثر Mystics, Monarchs, and Messianas Cultural Landscape of Early Modern Iran
کاترین پابیان، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین پابیان‌نامه‌ای با نام انگریزی به‌میهمانی و پدیدار شدن عصر صفویان نگارش محمدجواد صدارت نیز به‌این موضوع اشاراتی دارد.

چارچوب نظری تحقیق

مفهوم گفتمان که ریشه در علوم تفسیری دارد –از جمله مفاهیم مهمی است که در مطالعات اجتماعی، سیاسی، جایگاه و وضعیت دارد و در قابلیت توجه به نقش معاون‌دانان و رفتارها و ایده‌های اجتماعی، سیاسی و دینی سر و کار دارد.

کارکرد این مفهوم در تحقیق حاضر از این جهت اهمیت دارد که به نوعی خاص از تحلیل توجه می‌کند که صرفاً معطوف به امور واقع نیست؛ بلکه به شرایط امکان آن‌ها نیز می‌پردازد. فرض بیان‌سازی نر تحلیل گفتمانی این است که امکان، تصور و اندیشه و عمل به ساخته‌سازی حوزه معاون‌داری بستگی دارد که بیش از هر بی‌واطیع عینی حضور دارد (لاکلا، 1377: 53). پرداختن به چنین تحلیلی وابسته به تعیین مناسبی از گفتمان است.

گفتمان؟

زبان‌شناسان برای مفهوم گفتمان تعیین مختلفی به کار برده‌اند. از جمله در

1. Kathryn Babayan
2. Discourse
فصل سوم

در زبانشناسی مطالعه زبان در سطحی بالاتر از جمله را کشف می‌کنیم. در زبانشناسی نشان داده شده است که غربالگری ساده و درستی معنای مطلبی در تبّین نسبت‌های اجتماعی، سیاسی و دینی دارد. این قابلیت در سابقه گفتمان دیدگاه‌های سوسوری دریا، لاکان و کلام‌نیشن هم دست آمده است (کلام‌نیشن، 1391: 135). این نظریه‌ای ارائه کردن که بر اساس آن، همه نسبت‌های اجتماعی تحت تأثیر پایداری گفتمانی شکل می‌گیرند. از نظر آنها هر گفتمان بخش‌هایی از جوی اجتماع را دربر می‌گیرد و به همین صورت در چارچوبی از نظام معنایی مفهومی خاص می‌باشد. مفهومی که مختص همان نظام معنایی است (بُرگنسن و فیلیپس، 1389: 56). در چنین حالتی ممکن است یک فعل، سخن، نماد و... در دو گفتمان معنایی متفاوت و حتی منضداد با یکدیگر داشته باشند. در این رویکرد، لاکا و موفق به چند مفهوم اساسی توجه کرده‌اند که در زبان اینجا اشاره می‌شود.

**فصل دوم**

فصل دومی عبارت از تلفیقی از عناصری که با قرارگرفتن در مجموعه جدید، همواره

1. functional linguistics
2. structural linguistics
3. articulation
دان و مدلول

ابن دومفهوم در نظریه‌ی لاکلا و موفقه نشی کلیدی دارند و برگرفته از نظریه سوسور در زبان‌شناسی هستند.

دال‌ها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و شبه‌های انسانی به‌طور حقیقی هستند که در
مارجوب‌های گفتنی خاص، بر معانی خاص دلالت می‌کنند و معنا و مصداقی که
دال بر آن دلالت می‌کند مدلول نامیده می‌شود (کسراوی، 1388: 343-344).

گره‌گاه یا دال مرکزی؟

معنا حول (گره‌گاه) یا دال مرکزی خاصی شکل می‌گیرد. گره‌گاه نشانه منازی است
که ساری نشانه‌ها حول آن منظم می‌شوند. سایر نشانه‌ها معنی خود را از رابطه‌شان با
گره‌گاه اختیار می‌کنند (پوکس و فیلیپس، 1389: 57) لاکلا و موفقه در مورد
هژمونیک شدن یک گفتنی بر این باورند که اگر مدلولی خاص به دال تبدیل شود و
در اجتماع بر سر معنا خاصی برازید دال اجتماع حاصل شود، آن دال هژمونیک
می‌شود و با هژمونیک شدن دال‌های یک گفتنی کل آن گفتنی به هژمونی دست
می‌یابد. در واقع هژمونی با ثبت معنا حاصل می‌شود. از این رو موفقیت طرح‌های
سیاسی را به سبب توانایی شان برای ثبت نسبی معنا در بانی مشخص و محدود
می‌توان سنجید (سلطانتی، 1384: 82-83).

غیریت‌سازی؟

غیریت‌سازی و بیگاه‌سازی از دیگر مفاهیمی است که در نظریه‌ی لاکلا و موفقه کار
کرد اساسی دارد. غیریت‌سازی، یعنی مبارزه بر سر خلق معنا، نزاع و تقابل‌ها روابط
سترزیم است (همان، 93-94).

این نوع مفهوم از سه ناحیه برای نظریه گفتنی اهمیت دارد؛ نخست خلق یک

1. signifier,signified
2. nodal point
3. antagonism
نسبت متضاد و خصمانه که با تولید یک بیگانه با غیر برای تأسیس مرزها و حدود سیاسی حیاتی است. دوم، ایجاد روابط تفاوتی و تأسیس سیاسی محرور تیپین ناتمامیت در صورت بندی های گفتمانی و عاملان و کارگرانان اجتماعی است. سوم، تجربه ضدیت، طلیعهای بر احتمال پیدایش یوت است (فیرهی، 1382: 56 – 57).

نزا و تقابل درونمینی نیروی بیشترین در یک جامعه در یک زمان آن زمان‌های بعدی است و هر گفتمان با گفتمان‌های دیگر در حال نزا است و سعی می‌کند واقعیت را آن‌گونه که خود می‌خواهد تعریف کند (همو).

برجسته‌سازی و حاشیه‌رایی?

سازوکارهایی هستند که به کمک گردش واکنشی در سطح فرادر از بند یا هم‌زمان انسجام، معنای کل متن را در انتخاب می‌گیرند و آن را قطعی می‌کنند. این قطعیتی که در متن شکل می‌گیرد، در حد فاصل دو قطب مثبت و منفی به کل متن انسجام می‌بخشد. همکاره قطب مثبت متن در راستای «ما» متن و قطب منفی متن در راستای «آن‌های» متن است (سلطن، 1391: 19 – 20).

بر اساس چارچوب یادشده، پژوهش حاضر مبنی بر این فرضیه اصلی است که صفویان توانستند با ارائه مفصل بندی جدیدی از عناصر برگرفته از گفتمان تشعیه، تصوف و سلسلت، گفتمان مهدویت را در قابل گفت‌گو گفتمان مهدویت غایبانه مفصل بندی کنند و در هزمونیک شدن و سطح آن تأثیرگذار باشد که در متن تاریخی نیز انعکاس بافته، اما این هزمونیک شدن در فراری خوشی، مفصل بندی گفتمان مهدویت ادامه از سوی فقاها را داشت که تلاش می‌کرد گفتمان مهدویت غایبانه را به حاشیه راند.

مفهوم اساسی تحقیق

1. مهدویت

اعتقاد به ظهور شخصی به نام مهدی از اعتقادات مهم شیعیان امامیه با نظام معنی‌ی

1. foregrounding
2. backgrounding
کاملاً متفاوت است که آن را از دیگر اعتقادات مهدویت متمایز می‌سازد. احادیث، روایات و نصوص دینی این تئیبیات را نشان می‌دهند:

1. در ۴۸ حديث، حضرت مهدي(پ) نام تام مبارک پیامبر است.
2. در ۱۳۶ حديث، حضرت مهدي(پ) دوازدهم امام و آخرین پیشواست.
3. در ۱۹۲ حديث، حضرت مهدي(پ) از فرزندان حضرت فاطمه(س) به شمار آمدند.

است.

4. در ۲۹۳ حديث، ایشان فرزند بلافصل امام حسن عسکری(س) است.
5. در ۲۹۳ حديث، در باب ولادت ایشان سخن رانده شده است.
6. در ۱۴ حديث، در باب غیبت ایشان سخن رانده شده است.
7. در ۱۶ حديث، به این که وقت ظهور ایشان مشخص نشده است سخن رانده شده است.

8. در هفت حديث، به این که اگر کسی وقت ظهور را مشخص کند دروغ‌گوست، اشاره شده است (نک: صافی گلیاکانی: ۱۳۷۳).

2. غالگیری

ریشه آن، غلو و بر وزن فعول، به معنی افرادی، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و حدود هر چیز است (اصفهانی، بی تا ج: ۱، ۳۶۵). به رغم آنکه غالگیری را به شیعه متناسب می‌کند و فرق غالبانه بین سبایه، خطابیه، تعمایش، علایقی، کاملیه و... به عنوان طواوی می‌داند که در حق احتمال بد به حذی غلو کردن که آن‌ها را دانه‌ای مخلوقیت بیرون برده و به سربازی اپتی و رسانده (شهرستانی، ۱۳۶۳: ج ۱، ۲۳۱-۲۵۲)، اما هم‌اکنون اطلاع آن‌ها را نکوهش کرده و لحنی کرده‌اند (طوسی، بی تا ج: ۱۰۵؛ صفری فروشنی، ۱۳۷۳: ۱۹۵) و هم به شیعه توصیه نموده‌اند از غلو و زیاده‌روی درباره اهل‌بیت درجزند (درایی، بی تا ج: ۲، ۳۴۲)، همچنین علمای شیعه در رد آن‌ها تأییدات زیادی دارند (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۲۱۴-۲۱۵) و از آن‌ها به عنوان اهل تخلیق (تفسیر باطنی از شریعت) اهل ارتفاع، مرتفع‌الدول (غلو در کلام) در کتب رجال شیعه باید شده است (نک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۴: ۶۴). بر خلاف شهرستانی که شیعیان را به غلو متهم کرده است، نویختی در مرکز الشیعه، خرم‌دین را اغازگر غلو می‌داند.
(توضیحی، 1386: 307)؛ اما واقعیت امرو این است که غلوب پس از رحلت پیامبر(ص) از سوی برخی صحابی از جمله عمر دبیره و فاتح نئندر رسول خدا(ص) به فرم: "دست و پای کسانی را که به پیامبر(ص) نسبت وفات دهند، قطع می‌کنند" مطرح شد. (نک: ابن‌هشام، 1394: 305-306). علیه امینی بحثی مفصل در زمینه غلوب اهل تسن کرده است.

(امینی، بی‌تا: ج. 21، 55-109).

3. فقه

مصدر مجرد، بر وزن تقه است. در گفت به معنا: فهم عمیق و در اصطلاح پی بردن از معناه ظاهر و علم ظاهر به معنای علم به معنای علم و باطن است و لذا تقه اخض از علم به شمار می‌رود (راگب اصفهانی، بی‌تا: 398). از منظر فقه، فقه عبیرت است از علم به احكام شرعی و فرضی از روی دلایل تفصیلی خود (عاملی، بی‌تا: 27). این نوع تعاریف از آیات و در روایات برگرفته شده است که انسان را به فهم و بصر در دین دعوت می‌کند. در عصر غیبت، شیعه یکی از شرکت نیابت امام عصر را برای علما مسلط بر فقه می‌داند که در متن تحقیق به آنها اشاره شده است.

زمینه‌های تشکیل هماهنگی استعاره کفتنم مهدویت

همان‌گونه که پیامبر(ص) در زمان حیات خویش بستر‌های شکل‌گیری مذهب تشیع و حمایت از امام علی(ع) (طبری، بی‌تا: ج. 63؛ صدوق، بی‌تا: 579؛ خواری، 1401: ج. 5، طبری، بی‌تا: ج. 2، 368) و اهل بیت را فراهم نموده (هندی، 1381: 31).

1. برای مثال، (ناظر) کشف‌الدستگاه‌یان لعل‌اللهم تلف‌الهوا (انعام: 65)؛ (جلال‌العیسی، لعل‌اللهم تلف‌الهوا: ۲۸-۲۸).
2. برای مثال، امام محمد باقر(ع) فرمایید: «الکمال کل الکمال تلفه فی الديد؛ کمال انسان، بصیرت در دین است» (مجمل، بی‌تا: ج. 172).
3. اشاره به ماجرای دعوت از اقروی که در آن، پیامبر(ص) امام علی(ع) را وصی خود قرار داد.
4. رسول خدا(ص) در نبرد خندق و رویهرب شدن امام علی(ع) را وصی خود قرار داد. فرمود: «امام اسلام در برادر هم کفکار گرفته است»، همچنین آن حضرت در نبرد نیوکر، در حديث منزلت به امام علی(ع)

فرمود: «تو برای من به منزله هارون برا بارا موسی حسن».
5. رسول خدا(ص) در حديث تقفیه به مسلمانان خبر داد که در چیزی گران‌بها کتاب خدا و عصرت‌ها را
ظهور ۷۲۳، دوازده امامی در ایران نشان می‌داشد این مذهب پتانسیل‌هایی لازم را برای جذب قلوب ایرانیان دارد. به‌خصوص که تشعیب در مسیر خود نه تنها به «مناسک دینی» بلکه به «مقاومت» و اهداف غایب خوش و افک اونان‌داده که سیاست‌های راهبردی را در اختیار جامعه شیعه مذهب ایرانی قرار می‌داد نیز مقید بود. از سوی دیگر، رجوع به انگیزه سیاسی امامی نشان می‌دهد علمای شیعه همچون شیخ میفی، سید رضی، شیخ طوسی، خواجه تصورالدین طوسی و محقق حلفی، مناسب با مقضیت زمانه خوشی سبزی روشن را فراورده شیعیان در عصر غیبت قرار دادند (نک: کربلای زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۱۸-۲۳۱). از این رو می‌توان اذعان نمود فقه‌ای شیعه به‌رغم محدودیت‌ها و فشارهای حاکمان جوی، تأثیرگذار در خرور توجه همچون الغیبه شیخ میفی، الغیبه شیخ طوسی و الغیبه نعمانی (تهراوی، ۱۴۰۳: ۷۴ - ۸۳) در حمایت از گفتمان مهدویت ارائه کردند. نزدیک شدن تصور به تشع در سال‌های آغازین قرن هشتم حاصل چنین تلاش‌های همبود است.

برای آنان به امانت می‌گذرد. همچنین در حدیث سفیه، اهل‌بیت خوشی را به کشتن نجات تعبیر.

فرمد.
تلش‌هایی که به تدریج گفتن‌مان مهدویت را در جنسیت‌های اجتماعی این عصر برگسته‌تر کردند.

این گفتن‌مان نه‌تاآ در ایران، جنسیت‌های حورفی، تفظیه، مشتعشعی را خلق نمود
(شیبی: 1385: 353 - 362). بلکه با حضور حورفی در آسیا صغر، ایال‌ولوی
ترکیب شیعی - صوفی یا تشع غالبانه را با شعارهای مهدوی‌گرا، و هزاره‌گرا،
ایجاد کرد.

خطو‌های اصلی گفتن‌مان مهدویت غالبانه که بر بیرون تصفح و تشع تأکید داشت با
مسيحیت نیز گره خورد، به گونه‌ای که برحیز از رهبران، جنسیت‌های خود را مظهری از
محی در قالب علی‌الملک‌م‌ه‌م‌ک‌ر (همو: 359).

در ایران نیز جنسیت‌هایی مانند حورفی، با تکیه بر همین بیرون دعوت مهدویت
نمودند و رهبر آن‌ها - فضل الله حورفی - برای جذب فرق مختلفی از یک‌سو خود
را مظهر مسیح - که کلمه‌خداست - بر شمار، و از سوی دیگر، خود را مهدی - که
ظهور دوبه‌امام است - می‌دانست (همو: 302). نهضت شیعی صفویه نیز متأثر از
چنین فضایی بود. آن‌ها در جهان حکمت‌سنج و به حاکم‌کرده شدند که
مجری نتیجه ترجمه دادند در فضای مسیحی که عامل پیش‌برنده تبعیت است، با تبدیل
یک فرقه شیعی غالی، خرده‌وری از کنان‌نهاده و لباس زم رزم بر تن نمایند که در کنار
ولایت دینی، ولایت دنیوی را نیز تصاحب کنند. زمینه‌نشین تحلیل در زمان مسیح
صفی الدین فرآهم شده بود.

تعریف خواب شیخ صفوی الدین از سوی مرشد طریقت مرعشی، شیخ راضی‌قلوئی که
ولایت دنیوی را در آینده برای خاندان او بشارت می‌داد (فیروزی: 1383: 12) و حمایت
مادی و معنی‌خواهی زاهد از شیخ صفوی الدین (نک: ابن برزاز: 1376: 115) با یگاه
اجتماعی آنان را در چنان شرایط مطلوبی قرارداد که کسانی چون رشید‌الدین فضل‌الله
همدانی و حمدانی مستوفی، به تمکین این خاندان برداخته‌اند (نک: مستوفی: 1380: 1).

1. Messianism
2. Millenarianism
675) این تمجیدها یا دلیل هم نبوده است؛ زیرا شیخ جنید موفق شد با تبديل شدن به یک حزب سياسی نه پا سازماندهي نيره قراليان در راست هم جنبش قرار گيرد، بلکه با تلاش اجدادش در قرانيان مبلغان به مرزمن هيای اسلامي (شيبي، 1385: 378) توانسته بود در سطح قدرتهای نقست خود را تليغ كند. از اين رو شايعات دولت موعود علیان در آخر الزمان به رهبري شیخ جنید صفوي و جنگيدن او در رکاب امام زمان (گمنام، 1384: 23) فشار قرون و ميلونها و سپس آق قرون و ميلونها را بر اين خاندان تشديد كرد. كشع شدن شیخ حيدر به تحريک قرون و ميلونها در شروانشان يا هاي نهضت صفوی نبوود: زیرا قرنوندش شام اسماعيل، با حمایت خاندان شیعی مذهب آن کیا (غفاری، فرد، 1387: 3 - 84) از حمایت شیعیان شمال ایران برخودار شد. متبغ عصر صفوی اطلاعات بيشتري را با تاریخ تدریجي گفتگان مهدويت توسط شاه اسماعيل در اختیار ما قرار مي دهد.

در یکی از کتب تاریخی این دوره، شمشیر شام اسماعیل را شمشیر امام عصر را (گمنام، 1384: 65، 187، 367) و انتخاب او را از خود آن جهت گزارش داده است (همو، 46). این نوع گزارش، بیانگر اندازه‌های غالب‌اند و سوی یافتن به سوی حمایت از دال مركزي مهندیس غالب‌اند و دال‌هاي شناور است که در بررسی مسون تاریخی این دوره بدان اشاره خواهد شد. هر حال، با نقش اعضاي موعود کرداي، تشیع غالب‌اند و تشیع امامه در پبوند با یکدیگر در گفتگان مهدویت که از دال‌ها و نشان‌های اصلی دال مركزي تشیع بوده و حضرت رسیدن و با غیربستگی نظاف خلافت و حکم‌یهای وابسته به آن که در تکاپ‌های حکم‌یهای قدرت بودند، به جانش کشیدن. در نمودار شماره یک، این مفصل نبدي با تعارضات و ناهمگونی‌هایي که بين در گفتگان تشیع و تنسن وجود دارد به تصوير كشيده شده است.
چگونگی محو شدن فضای استعاری گفتمان مهدویت و غیرتاسیزی گفتمان‌ها

در گفتمان‌های مشعشع‌یان، حروفه و نقطه‌ی ۲۳۵۱ از شاخه‌های تشعیق غالبه‌ی رودند

- با گفتمان مهدویت، هر طیخ را بر اساس غیرت‌اسازی یا گفتمان حاکم (تسنن)

شکل دادند و نقش اساسی را در پیروزی شاه اسماعیل ایفا کردند. زیرا این

خرده گفتمان‌ها نیز چون صفیه به دنبال طرد گفتمان مستقر بودند و به مجرد آن گفتمان حاکم طرد شد و گفتمان‌های رقیب صفوی امکان هزینه‌ی شدن را یافتند,

شروع به غیرت‌اسازی کردند. در این رقابت‌ها گفتمان صفوی به دلیل ویژگی‌های

منحصربه‌فردی که پیشتر نیافته بود و به دلیل حمایت علمای شیعه از آنان، رقابتی

چون مشعشعیان را به حاشیه رانند (نک: همو: ۱۸۱-۱۸۸). از این رو می‌توان ادعای

نمونه که عمده‌ی دینی دلیل محو شدن آن فضای استعاری ۲۳۵۱ با ضرورت زمان ایجاد

شده بود. این است که وقتی گفتمان‌هایی به شکل نظام سیاسی و اداره جامعه به صورت

عملی اقامه می‌کنند، این فضای استعاری به تدریج از حالت عمار و فراکر خود دور و

معنادو می‌شود. چون در عرصه عمل، امکان برآوردن اهداف و خواست‌های همه

گروه‌های سیاسی وجود ندارد (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۴۴); به‌خصوص همه جامعه بی‌معنی در

این عصر ادعای مهدویت از سوی گروه‌های سیاسی متفرق را برهم تایید: زیرا علمای

شیعه همواره برای مقابله با مهدویت‌های دوگدنی با تألیف کتاب مختلف در بناه امام

معوس در حال غیبت (نک: تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۲۰-۳۴۲)، به مبارزه برخاسته بودند و

با پیروزی صفویه، بار دیگر شرایط مطلوب برای مقابله با مهدویت‌های دوگدنی فراهم
شده بود؛ زیرا سلاطین صفی شخصی هم برای کسب مشروعیت و هم برای هزمونیک شدن به طرد پنج گفتنمانهایی می‌پرداختند. به همین دلیل، از میان گروه‌های مختلف شیعی که با گفتنمان مهدیت در مقابل حاکمیت مستقر قرار گرفته بودند، تنها گفتنمان مهدیت غالب‌الصفره چون حول دل مرکزی بینی سلطنت شکل گرفته بود یا برخی‌ها

گرددن.

مفهوم‌بندی گفتنمانهای مهدیت غالبانه و مهدیت امامیه

مفهوم‌بندی جدیدی از گفتنمان مهدیت غالبانه حول دل سلطنت شکل گرفت که دل‌های دیگری مانند امامت، مرشد، کل، نابی، تأویل دراز، سیاست، ظلم الله، مجدد، ارشاد و هدایت را در یک نظام معنی‌برنگی خاص به هم مرتبط ساخت.

ابن نظام معناي حاصل ترکیب تصوف، تشیع و نظام ایرانی‌شهری (سلطان‌نام) بود که سلطنت شیعی را تشکیل داد. در گفتنمان مهدیت غالبانه مورد ادعای صفویه یا شیعیان غالب، سلطنت به عنوان ظلم الله، مرشد کل و نابی امام زمان و ایفای نقش می‌کرد. این هیئتی که گفتنمان مهدیت غالبانه در غیبت گرایی امام زمان به خود می‌پوشید، قوانین جدیدی از مهدیت در قابل سلطنت شیعی بوده است.

در حقیقت دل مرکزی، گفتنمان مهدیت غالبانه در نقطه متوقف دل مرکزی گفتنمان مهدیت امامیه قرار گرفت که هم‌زمان با پیروی صفویه با دل مرکزی امامت بیداد.

امد غالبان شیعی (صوفیه) در گفتنمان مهدیت با تأکید بر سلطنت به ذنال مشروعیت بودند و می‌کوشیدند آحاد مختلف جامعه ایرانی را به سمت خروش جدید کنند. در حالی که فقها به تکیه بر فقه چه امام معصوم بر آن تاکید می‌کردند معتقد به نابیت از آن است، معصوم بودند. از این‌رو در واکنش به گفتنمان مهدیت غالبانه، گفتنمان مهدیت امامیه که حول دل امام مسلم شکل گرفته بود، تاکید بر مفهوم‌بندی عناصر جدیدی برخاست که در نقطه‌بندی مفصل گفتنمان مهدیت غالبانه امامت داشت و بر دل‌های مرتبط با آن متمرکز می‌شد. تاکید می‌رود: دل‌هایی جنون، مجهذ، فقه، انتصاب، امامت، نابیت، نمای جمعه، خمس، فتاوی، تسیب، احکام شرعی، یا غیبت از جمله دل‌های شناور دل مرکزی امامت بود. یعنی این گفتنمان تا زمانی که قلیبان‌شناس...
هسته اصلی مهدویت غالبانه را تشکیل می‌داد، نه تنها در مدریت جامعه شیعی در عصر غیبت نقش ایفا کنند و مفصل بندی آن سبزواری و صورت بود و در مقابل فقه‌مندان هژمونیک شده مهدویت غالبانه در حاشیه قرار داشت که در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.
با توجه به شرایط ویژه‌ای که در نیمه نخستین عصر صفوی حاکم بود، حتی امکان رقابت با قزیباشیانی که از دال مرکزی کفتنان مهدویت غالیه‌نیا حمایت می‌کردند وجود نداشت؛ زیرا ساخت حکومت در زمان شاه اسماعیل، یک ساخت کاربردی‌تری بود. در این ساخت، وازه کاری‌زما، برای خصوصیت ویژه شخصیت یک فرد که به سبب این ویژگی‌های فوق‌العاده، فوق‌العاده‌ای با دسته‌ای استنادی باشد بی‌کاری می‌رد. این ویژگی‌ها بدون کننده‌که برای افراد عادی، قابل دسترسی نیستند؛ بلکه منشأ آنها الهی یا منحصر به فرد تلقی می‌شود و برای اساس، فرد مورد نظر به عنوان رهبر تلقی

نمونه 2

مفصل بندی کفتنان های مهدویت غالیه‌نیا مهدویت امامی از سال 907 تا 986.
می شود (وریب، 1376: 397). از سوی دیگر، در این زمان گفتگان مهندسی هنوز در مرحله نهادنشن و سازماندهی قرار نگرفته بود و نظام ایلیتی قزلباش تحقق این گفتگان را در دل اصلی سلطنت یعنی مرشد گی - مهدی دانست که می‌توانست جامعه شیعی را در عصر غیبت، هدایت و ارشاد کند. از این رو رهبری منصب دینی و سیاسی توأم‌آن در اختیار مرشد که عنوان نابی امام زمان و ظل الله قرار گرفته بود (سپور، 1366: 32-33).

اما با آغاز بحرانی که از سوی غیریت‌های خارجی چون اعتمادی ها در غرب و از اینکه در شرق ایجاد شد، به تدریج زمینه‌ساز شکست شاه اسلامی در نبرد چالدران گردید و رفتار هالهای از تا نامید در قزلباش‌ها ایجاد شد. در مکتبین مهندسی غالب‌الله نیز به سوی ساختارشکنی سرک زمان‌ها و برخی دالهایا از جمله مرشد کل، از مدول خود جدا شدند؛ زیرا گفتگان مهندسی غالب‌الله با تکیه بر دال مرکزی یعنی سلطنت و دال‌های مرتبط با آن نمی‌توانست یک مدیریت راهبردی را برای تحقیق گفتگان مهندسی ترسیم کند و نوافص آن در بحران بیش از آن به ظاهرات رسیده بود. از اینرو شریف برای بازتلید گفتگان مهندسی تقیه‌های کامل فرآم شد؛ به‌خصوص که شاه طهماسب - جان‌شنگ شاه اسلامی - با زیرکی تمام به کارکرد (فهه مشاورکی) و حضور فقهای شیعه در ساختار سیاسی صفویه واقف شده بود و می‌کوشید دال‌های گفتگان مهندسی امامیه با مرکزی دال مرکزی امامت تحقیق یابد.

تالش‌های او در این‌باره به گونه‌ای است که تئوری اتصال حکومت صفویه به دولت امام عصر۱ در اکثر کتب مورخان این عصر انکشاف یافته (نک: شیرازی: 35؛ امینی: 1383: 175، منشن قروینی، 1378: 117) و شعر «كل الناس دوله و دوننا في آخر الزمان» در جامعه شیعه عصر صفی طلیب اشاد شد و این فرضیه بود که فقهای شیعه مترصد نیستند. اکثراً در زمان شاه اسلامی، فقها تنها به جمع‌آوری کتب فقهی مشغول بودند (رولو، 1357: 86) و میجالی برای ظهور دال‌های گفتگان مورد نظر خوش نیافتن. اما در عصر شاه طهماسب با فعالیت‌های وصف‌ناب‌یافته فقهای جبل العامل لبنان همچون محقق کرکی، مفصل بندی گفتگان مهندسی امامیه از حالت سنی‌الک، متوفع و صوری

Downloaded from journal.isihistory.ir at 9:25 +0430 on Monday May 18th 2020
خارج شد و در تداوم سیاست فقه‌ای امامیه، همچون "فقه خصوصی" به "فقه مشارکتی" تبدیل گردید. در یک آن، شرایط برای بازنگری گفتگوی مهدویت امامیه و دل مکرر آن - یعنی امامت - و یکی از دل‌های آن - یعنی ولایت فقه - تنیز وراهم شد و گفتگونی که به دلیل غلبه مهدویت غالبه‌هانه در حاشیه مانده بود، در سیاست شاه طهماسب در محور رقم گرفت.

شه طهماسب در پیوند با گفتگوی مهدویت امامیه، دل مرکزی مهدویت غالبه‌هانه را از مدلول خویش جدا کرد و در نگرش به حالها و نشانه‌های سلطنت تجدید نظر نمود و دل نایب را با تکیه بر گفتگوی مهدویت امامیه باز طلید کرد. شاه طهماسب با تفکیک ولایت عرفی و شرعی، بخشی از نیابت خود را در عصر غیبت به فقها منتقل نمود و با انتصاب محقق کرکی بجه مقام "مجتهد الزمانی" (نک: قمی، 1383: 238-239) یکی دیگر از دل‌های گفتگوی مهدویت امامیه - یعنی مجتهد - را بازنگری کرد و با انتخاب علمای شیعه به عنوان صدر (شاه طهماسب صفوی، 1343: 16) گفتگوی مهدویت امامیه را قوی‌تر پیش فراخت.

این تقویت به تبع دیگر دل‌های این گفتگوی از جمله والی نیز در راستای پیشرفت مذهب شیعه به جریان می‌انداخت. فنون محقق کرکی در باب اسلام خراسانی که از این دشمن شیعه قلمداد نمود و از آن جمله است (جمهوری یحیی، پناه: 139). بنابراین ترتیب، گفتگوی مهدویت امامیه با تحقق این گونه دلالا به یک ساختار نظامی مدرن بینندی تبدیل شد و فقه‌ای چون شهید ثانی، محقق اردنی، محقق کرکی و شاگردش ابرهیم، عامل بازنگری تغییر ولایت فقهی به عنوان مهم‌ترین دل مرکزی گفتگوی مهدویت امامیه شدند. اما این مبارزه به معنا بیان حاشیه را در دل مرکزی گفتگونی مهدویت غالبه‌هانه، بعنی سلطنت نبود. آنها در مفصل‌بندی گفتگوی مهدویت امامیه، به سلطنت پشت هکر دند. این دل مرکزی را با تفسیرهای خاص خویش مورد حمایت قرار دادند.

این حمایت هیچ‌گاه به معنای مشروطه دادن به سلطنت نبود؛ زیرا در انیمه سیاسی فقه‌ای شیعه - همچنان که در بررسی متن فوق گفتگوی مهدویت امامیه بدان اشاره خواهد شد - هدایت جامعه شیعه در عصر غیبت مبتنی بر تفسیری بود که مکتب...
مفهوم جغرافی ترسمی می‌کرد؛ یعنی هدایت انتصابی است و از این طریق نقص به پیامبر و سپس به امام مصوع و در عصر غیبت بر اساس حدیث "عمرو بن حنیف" که قفل بر آن اجماع داشته‌اند، به قبط مجدید جامع الشیاطین می‌رسند. از این رو افرادی هم‌جوان شهید ثانی، نه قائل به نبایت برای سلطان بوهداند و نه مشروطیت شریعه به حکومت آنان داده‌اند (نک: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج. ۲، ۱۵۳ - ۲۰۵).

به هر حال تلاش‌های قفقای شیعه، برای مدتی گفتگو مهربانی امامیه را هزینه کردن، همواره می‌باند. اما سایه‌سکین گفتگو مهربانی غالباً بر تأثیرات مورخان این دوره حتی عصر شاه طهماسب شناسی در نهایت نهایت عصر صفوفی هنوز فضا برای بازتویید گفتگو مهربانی امامیه فراهم نشده بود؛ بنابراین، انیجه آنکه در چینی، فضایی همه علمای شیعه در باز بازی دل‌های متفکر، نه وقوع داشتند. مورخان نیز به این تعاریف‌ها اشاره کرده‌اند. به عنوان مثل، قاضی قمی، به اختلاف طبقه و محقق کرکی (قلمی، ۱۳۸۳، ج. ۱، ۲۳۷) و دیگر فقها (نک: کرکی، ۱۴۰۹: ۱۴۲) به بعد اشاره می‌کند. از این رو، مفصل‌نامه‌ای بسیاری شده از سوی علمای شیعه مدارف گفتگو مهربانی امامیه در نهایت نهایت، نتایج لازم را در این دوره به دست نیاورد؛ اما همچنان برای تثبیت دل‌های مورد نظر خوش پافشاری می‌کرد.

تحلیل متن تاریخی وفقه: نزاع برای تعیین دال‌ها

از آنجا که شرط هزینه‌گیری مفید هر گفتگو در مشروحیت یافتن، آن از سوی مخاطبان است، به مراتب که نظام معنی‌پذیر گفتگو تثبیت می‌شود می‌تواند در رقابت با گفتگو رقیب مشروحیت کسب کند و در به هنر سوژه‌ها تأثیر گذار باشد؛ زیرا ذهنی علماً "سوژه‌ها" ذهنی گفتگوی این و رهایی از چنگره گفتگو ممکن نیست و خواهی نخواهی الگویی غالب فکری فرکسی در چارچوب گفتگو قرار دارد. ممکن است از گفتگوی هر گفتگو درگیر نیست، اما رهایی از گفتگو به صورت مطلق ناممکن است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۶۳). از این رو، متن تاریخی در فضایی گفتگویی قرار می‌گیرد؛ فضایی که بر ذهنی مورخ تأثیر گذار است و رفاه‌های سیاسی و را شکل می‌بخشد. مورخان عصر صفوفه در نهایت نهایی به صورت جانبداران مهربانی غالباً
را در نوشت‌های خویش منعکس گردیده و در حمايت از دال مرکزی آن - یعنی سلطنت - میراث‌دار اندیشه‌های مورخان پیش از خوی‌بودان. 

با بررسی دقیق دال‌هایی که در گفتمان مهندیت غایبانه مورد توجه مورخان قرار گرفته، می‌توان ادعا کرد که برغم تلاش همه‌جانبه برخی فقها در تبیین مهم‌ترین دال مرکزی گفتمان مهندیت امامیه - یعنی ولایت فقها - نتوانسته‌اند فضای حاکم بر مورخان نیمه نخستین را تغییر دهند.

اگر مورخان این عصر در کتب خویش به فقها توجه داشتند، به معنای چپ‌دار و حمايت سیاسی از آنها بوده است و توجه آنان به دال‌هایی چون تبیین، فضای و مجتهد که در گفتمان مهندیت امامیه ذکر شده است، تنها از منظر اداری و درباری که به تاپیده شاید مرسی توجه کرده‌اند.

با این حال، گفتمان موجود در مtons فقها که به طور کامل صورت عمل بیدا نکرد، در آن‌وده گفتمان مهندیت مؤثر بوده است که مجایلی دیگر را می‌طلبند. در این بخش به بررسی بعضی از مtons تاریخی و فقهی پرداخته می‌شود که نشان داده شود گفتمان‌های رقیب چگونه در سیاست‌های انتقالی سودها یعنی مورخان و فقها - تأثیرگذار بوده است. برای این کار، بررسی‌هایی ها و حاشیه‌هایی مtons تاریخی و فقهی بررسی می‌شود که مشخص شود نزاع میان گفتمان‌های مهندیت غایبانه و مهندیت امامیه تجلی بیدا می‌کند یا که اگر تجلي می‌کند چگونه بر این مtons تأثیر می‌گذارد؟

**متن تاریخی**

متن شماره 1

اول پایان‌هایی که از این دودمان علیه پیام به موجب آیه کریمه ۱۴۳ آپلود جعل‌کننده خلاف اتاری و ذرتی و غلام‌کم فوق بغم‌گر درجات (انعام: ۱۶۵) بر قدم ممالک ایران حکومه پرده و تحت سلطنت سری‌سری خلافت عروج و صعود نمود و بر اعدا غالب آمد ... ابوبال фигурه شاه اسماعیل بهادرخان الحسنی

الصفوى آنده الله براکانه. (تربی: ۳۸۵)

در مtons فوق، به غیرشماری و جلف‌های رقیب یعنی خلافت تسنن - اشاره کرده و پیروی نشان بر تسنن و سلطه و هم‌ونیک شدن حکومت صفویه و
شکل گیری گفتگو مهدویت غلامیه با دال مرکزی سلطنت و برخی دال‌های شناور آن
- یعنی تأویل و سیاست آنان - یا هم‌ریاد امام مخصوص قار قدرت. و به گونه‌ای
کوشیده‌اند با این دو دال و نشانه، سلطنت را جایگزین نظام امام قرار دهند و با
انسوب سلطان به خاندان امام حسن(ع) مشروطه لازم را برای او به دست آورند.

از سوی دیگر، در متن فوق، دو قطب مثبت - یعنی صوفیه - و قطب منفی - یعنی
دشمنان (اهل تشیع) - به چشم می‌خورد. همچنین قروینی در این متن می‌کوشد
سلطنت و امامت را از طریق سیاست و انتصاب شاه اسماعیل، به خاندان امام حسن(ع)
پیدا بروند. این نظریه‌ای است که محققان بیشتر نیز در دویند این انسان است.(نکه
طباطبایی، 1384: 38). در متن فوق، با پیام عالی‌ شأن خواویان صفویه از سوی مورخ،
تلاش شده است گفتگان دیگری که ادعای نیابت یا جانشینی امام زمان(ع) را داشته
باشد به حاشیه براند.

با توجه به آن که در نیمه نخستین عصر صفوی «ثنوری اتصال حکومن صفویه به
دولت امام زمان(ع) از سوی آثار مورخان سیر دوم مطروح شده است (نک: امینی،
1383: 175). متن فوق هر چند مستقیماً به مهدویت اشتهار تکرده است، اما دال‌های
مطروح شده در آن، چنین گفتگانی را به ذهن متادار می‌سازد. متن‌هایی از این قبیل در
کتاب عصر صفوی، فراوان دیده می‌شود که همکی می‌خواهند با دال‌های چون سیاست
و تأویل بین سلطنت، امامت و تصرف، پیوند ایجاد کنند و گفتگو مهدویت را حاصل
چنین گفتگان‌های جلوه دهد.

متن شماره ۲

چون سلطان زمان (ع) صاحب امر - علیه صلوات الله الصلح الامام - غایب است،
حق آن است که از سلسله علمیه علیه اقطامه که قابلیت این امر داشت در میان
بندگان خداوند حکم امام زمان را جاری سازد و خلاصه را حوال و حضور می‌باید
آورده، راهنمایی به مذهب حق نه نماد می‌باشد که پرسردار سلطنت جلوس
فرموده به اجرای احکام قائم آل محمد قیام نماید. (شیرازی، بی: ۳۴-۳۵)

در متن فوق، عزیز بیبک شیرازی با اشاره به دال مرکزی گفتگو مهدویت غلامیه
- یعنی سلطنت - به دال‌های شناوری چون غیبت، سیاست، نیابت، هدایت و اهل بیست
پیامبر، در حمایت از صفویه به حاشیه رانی پرداخته و هر کفتنان هم‌درویی بی‌جر کفتنان مهدویت مورد نظر خویش را به چالش می‌کشد اما، با برجسته کردن صاحب امر، قائم آل محمد با گروه‌ها که ادعای مهدویت کرده‌اند (نک: تسوی، بی‌تا: 725) یا درصد این ادعا بوده‌اند، مقابل کرده و مهدی را نشان دادن یا بوده‌اند.

در کوشیده است در مرن فوق، مهدویت مورد نظر شیعه را برجسته سازد. از سوی دیگر، وی با غفلت از نظام امامت شیعه و با برجسته کردن سلطان زمان، امام زمان را در دادرس سلطنت قرار داده و از این منظور به امام معصوم تغییرهای است. این رویکردها نشان می‌دهد مورخان با کفتنان مهدویت امپریک-که کفتنان مهدویت را با تکیه بر نظام امامت بازی‌ولیدند-بی‌گانه بوده‌اند.

متن شماره ۳

غرض از این تألف و مقود از این تصنیف، نشر مناقش‌سالاری صفویه و حیدریه است که چونه از منبع ولايت و معدن هدایت بیرون آمده، در این عالم نشون نما کرده، بر سربر سلطنت قرار گرفته‌اند. (توییب: 1363: 102)

در این متن، مورخ با رویکردهای تقدیرگرانه، به دال مکزی مهدویت غالبانه توجه کرده و قرار گرفتن صفویه را بر سربر سلطنت، ازدواج و مشتی الیه دانسته است. مرن فوق، نشان می‌دهد یکی از ابزارهای ترم‌افزاری در فضای کفتنان عصر صفویه، تألفات مورخان بوده است که با برجسته‌سازی یک کفتنان در همه‌ویکشند آنها تأثیرگذار بوده‌اند. مورخ در جملهٔ اول به این موضوع اعتراض کرده است.

متن شماره ۴

لطفاً غیر که از آن استفاده به الاتف لاریبی می‌تواند کرده و وقاین اسرار کلام معجز نظام مرتضوی-صلوات الله علیهم و آله-بیدان پس بردیده‌اند، آن است که فرمودند: «اللک قوم دویله و دونیا آخر الزمان» ظاهر این بیانات واقع بشارت مصرف است که این دولت به صاحب خلق می‌آید از روز نیت به آن حاضر در طیق راه حق بدلیشان اقدام دارد. آخر سلطان‌خانی طویل است که ۹۳۰ متنی می‌شود به ظهور صاحب الامر-صلوات الله و سلامه علیه-و لفظ آخر زمان به حساب عدد ایجادی است. (غفاری زوینی، 1341: 281)
در متن بایدشده، مورخ می کوشند با تکیه بر دال تأویل، نظیری اتصال حکومت صفویه به حکومت امام زمان را گرته برداری کنند و دال هزاره گرامی را بر جسته سازند. سال ٩٣٠ هجری، مدارک با حکومت شاه طهماسب صفوی است که به پایان هزاره تزدیک می‌شد. هرچند مورخان تناقض را به اشتراک گذاشتند، این احتمال را بر خود گرفتند در میان هر دو طرف به حکومت امام زمان نیز تقدیم شدند. در موضعی که حضور در سامرا محل بیت صغر و طولی که حضور امام زمان نموده از آن وضع مبارک بوده و آن حضور غرباب آثار در آن و باید به ظهور رسدید. (نسبت ١٣٨٣: ٣٠٤-٣٠٥)

در متن بالا مورخ کوشیده است ضمن اشاره به اثبات مهدویت و وجود امام شیعه و سبیس به بیان خوان دال دیگر گفتگان مهدویت غالب‌الاند، با تأکید بر معجزات امام زمان و حسن توجه شاه اسماعیل به ویژگی‌های امام معصوم، دیگر گفتگان‌های مدعی مهدویت را به حاشیه کشاند.

متون فقهی

برای روشن‌تر شدن تحلیل گفتگان مهدویت در تاریخ نخستین عصر صفوی، ضروری است به برخی از متون فقهی - که بر خلاف مورخان این دوره، به مخالفت با گفتگان مهدویت غالب‌الاند - اشاره کنیم که مشخص شود سه سوژه، چگونه در فضای رقابت آمیز گفتگان‌ها، نظام معناها متفاوتی را برگزیده‌اند و نسبت به انعکاس آن در سطح جامعه کوشیده‌اند. در این متن های اشاره می‌شود که نشانگر نلایش فقه‌ای که گفتگان رقیب خود را ساختارشکنی کنند، از جمله این قبیله، مشهورترین قبیله عصر صفوی، شهید ثانی است که هرچند هیچ‌گاه وارد ایران نشد، اما کتاب‌هایی از او ایران انتقال یافت. به‌طور خاص موقعیت در کتابخانه آستانه عالی‌العظیم حسنی، این ادعای
راهتاب میکنند (نک: حافظیان، 1382: 551-552). در آثار مختلف ای از می‌توان
حمایت از دال مزکی گفتگون مهدوّت امامیه یعنی امامت را می‌شامده کرد.
وی می‌نویسد:

متن شماره 1

مراد از حاکم که مطرح می‌شود، سلطان عادل (امام معصوم) ناپ و خاص و با ناپ عیسی عادل فاطمی عادل جامع الشراطی است که از طرف امام متعصب هر کرده، این منصب عیسی عادله در احادیث‌نیز حديث عمر بن حفظ‌الله بیان نموده‌اند. (شهید ثانی، ج.۶، ۱۴۱۳: ۲۶۴)

در متن فوق، شهید ثانی تعبیر دیگری از نظام سلطنت دارد و آنرا خاص امام معصوم که از دال قاضی و گفتگون مهدوّت امامیه است قلمداد می‌کند. ایشان ولايت معصوم را در عصر غیبت در دایره امامت تعریف می‌کند و ایشان را متصل یا از سوی امام می‌دانند. این‌ها در این‌ها در این‌ها در دال قاضی و گفتگوی امامت همچون امامت، نایب و انتصاب ابزار کرده و نایبی بر این‌ها. دال مزکی مهدوّت غایبانی لیست سلطنت ۳ را به حاضرش رافتا و با تعریف دیگری از دال سلطنت ارائه نموده و آنرا حق امام معصوم بیان‌اند. بنابراین همچنان که در آثار دیگر شهید ثانی آگاه است، او و فقهای معاصر هیچ‌گاه موضوعی دیگر صتفیه را به رسیدن نشان‌دهنده و تناها به مصالت به موضوعی عرفی و قائل شده‌اند.

متن شماره 2

اصحاب ما اتفاق نظر دارند فیقه عادل امامیه جامع الشراطی در فنوا که از او به مجهود در احکام شرعی تعریف می‌شود – نیست به تمامی آنچه نبایت در آن مدخلت دارد. (برخی قائل و حدود را مطلق استادان کرده‌اند) از طرف امام هدیه دارای نبایت می‌باشد. بنابراین واجب است مردم اختلافات را نورد و برده و نیست به حکم هو مطیع و فرمایندار باشد. (کرکی: ج.۱، ۱۴۲)

در این متن، محقق کرکی ـ فیقه مشهور عصر عصر ـ در اثبات و تایید مهم‌ترین دال گفتگون مهدوّت امامیه، با برگرفتن صفات آنها در واقع به دال قاضی نشان گفت‌گوی فوق همچون گفت، محتمله احکام شرعی و انتساب ابزار کرده که فیقه را محصور در
شرايط فوق بداند و باب سواء استفاده از فقه را بپندد.

منف فوق، حویل اختیارات فقه و نیابت او را در عصر غیبت از سوی امام لازم اجرا دانسته و مورد را سفارش به اطاعت کرده است و مخصوصاً فقه را هن از سوی مردم، بلکه اصطلاحی و از سوی امام می دانند. تأکید او بر احکام شرعی و مستثنی نمونه نیابت فقه در توجه به حدود و قنط، بیان گر این حقیقت است که او با تفکیک اختیارات فقه و سلطان به عرف و شرع، مخصوصاً سلطان را در حویل غیری می دانند و مخصوصاً دینی را از سلب کرده و به غنایی در احکام شرعی به غیری سازی و حاشیه‌راینی پرداخته است.

متن شامل ۳ مقصود از این حیدت (عمر بین حنظله) آن است که فقه و صف شده با ویژگی‌های معین از سوی ایشان می‌کنند و به مفظاعی صدق امام صادق: (یرای قطع مثبت و منفی را فراهم نموده و با معرفی ملهم تشخیص، کوشیده است غیرین سازی کند. وی گفتنم خود را شاخه‌ای اصلی تشیع دانسته و آن را تها مصروف به عصر صفوی که به دعوت تغییر شود نمی‌داند و حکم امام صادق را محصول در حیات آنها به شمار نمی‌آورد و ساری و جاری در همه زمانها می‌دانند. از این رو نیابت هر گونه اندازه از سوی رقیب را بسته است و با تأکید بر دال مرکزی گفتنم مهدویت امامیه‌ی ویژگی‌های معین را که در منف نهایت قبیل بدن اشاره شد - برای فقه در نظر گرفته و هرکسی را فقهی نمی‌داند. فقهی با آن ویژگی‌ها می‌تواند نیابت امام باشد. کرکی با استناد به سخنان امام صادق و بر جسته کردن دال امام، مخصوصاً خوزش را انتصابی دانسته و در این حویل نیابت را محدود کرده است.)
متن شماره 4
فَقَهه، قاَئِم‌قائم امام وقت نایب اوست: چه‌سوا دیل آن، اجماع و روايات مندل خیر
عمر بن حنفله باشد، زیرا آن‌چه برای امام که اولی الناس من انفس‌هم، می‌باشد
گای ل است، برای فقهه نیز جای می‌باشد. (رقبا، 1403 ج، 160)

در متن بالا، محقق اردبیلی در ابهات دال مرکزی گفت‌میان مهندیت امامیه هم به
هم‌مین منبع ادلا شیعی - یعنی اجماع - و هم با تکیه بر روايات انته اطهاراً که به
دلیل توالی آن در میان فقها از احادیث معتبر شیعه است - که در متن‌های پیشین هم
بدان اشاره شده است - استناد کرد و به ابهات دال مرکزی این گفت‌میان - یعنی ولایت
فقهه - پرداخته وبا تکیه بر دال دیگر گفت‌میان مهندیت وتعیین تفسیر، به این تکنی تاکید
دارد که - هم‌گیز که امام بر مردم نزدیکتر به خودشان است - فقها نیز همین تفسیره
دارند و هم‌گان امام بر مردم ولایت دارند و در این هزینه، اختیارات آن‌ها همان حوزه
اختیارات امام است. در این حوزه، نایب امام با او تفاوتی ندارد و با برگزیده کردن
دال‌هایی چون فقهه، نایب، امام، تفسیر، ولایت، غیرت سازی نموده و سعی در به حاشیه
 والا گفت‌میان رقیق دارد.

متن شماره 5
با وجود دولت فاهی صفوی و در حالی که شمیشر شام و شمیشر شعبان
اهل‌یت مسلط بر دشمنان آنان و دین است، آیا سرآور است که باز هم‌گیز
نماز جمعه تعطیل شود و چنین نوا ز و عظیمی از دست برود؟ آیا چیزی بهتر از
این هست که شاه در ایام دولت خود به آن مرکز و چنین سنت حسن‌هایی را
که بر طبق روايات اجر اقامت آن تا روز قیامت به او هم می‌رسد باید گذاری
کند؟ (عاملی، 1378: 211-213)

عبدالصدم عاملی از جمله فقه‌ای است که به دال نماز جمعه و برپایی آن در عصر
غیبت متوقف بوده است. در متن فوق، او به علل حمایت خویش از سفوف‌بان پرداخته
است و با برگزیده کردن دولت فاهی صفوی در متن، امکان تحقیق نماز جمعه به عنوان
یکی از دال‌های شناور گفت‌میان مهندیت امامیه در عصر غیبت را می‌رسد. می‌دانیم، او
نماز جمعه را به عنوان یک سنت حسن‌های این قبیل وجود داشته است، قلمداد کرده و در
احیاً آن کوشیده است. این متن نشان می‌دهد در گفتگو مه‌دایت امامیه، داله‌ای که نماز جمعه به دلیل وقفاً که در اجرای آن صورت گرفته است، نیاز به بژوتیده داشته و داله نیسته که توزه‌ب باید. از سویی‌دیگر، با حمایت از سلطنت، حمایت خود را اعلام کرده است و این حمایت، به دلیل نیاز شیعه به قدرت آن‌ها بوده و چنان‌که بیشتری بگفتند ۱۳۹۴ حمایت هیچ‌گاه به معنای مشروطیت بخشیدن به سلیمانی صفوی نبوده است.

متن شماره ۶

در برخی روايات آمده است: به حاکمیت او (قیفی) روایت دیده که می‌دان باشد در بین شما قرار داده‌ام که هرگاه طبق دستور ما حکم کند و حکم ام واپس‌ردد نشود، حکم خداوند خوار شمرده شده و ما را رد کرده‌اند و کسی که ما را رد کند، خداوند متعال را رد کرده و این در حد شریک خدای بزرگ است. (سید)

تالیف ۱۴۹۴: ۱۱)

در این متن، به اتصالی بودن ویلیاً فقها از سوی خداوند و انتظار اشاره شده و یا بر جسته کرد قطب مثبت – یعنی خداوند، انتظار و قفقاً – و قطب منتی – یعنی منکران ولایت فقیه ی یا بر جسته منکران فقیه را در رده مشترک قرار داده است. همچنین ولایت فقیه را به عنوان یکی از داله‌ای مهم گفتگو مه‌دنیت امامیه در کنار توحید و امامت قرار داده و در واقع از منظر اعتقادی بدان تغییره و همچون توحید و امامت آن را از اصول دین قرار داده است.

نتیجه

در فضای استععاری اواخر قرن نهم، به تدریج خردگفتگو مه‌دایت‌هایی به نام مه‌دنیت ظهور کردند که در پرحال خلافت، بتوانند در حیات اجتماعی ایرانیان بر جسته شوند. در مبان این گفتگو، صفویان با هسته مربوطی قربانی، یا صوفیانه غلیق، سرانجام موفق شدند با سباستی‌های حاشیه‌اندیشی، رقبای خوشی را به افزای کشانند.

در زمان صفویه، مهم‌ترین رکن تشیع – یعنی مه‌دنیت به رویکردهای غالبانه، عامل تثبیت قدرت قربانی‌های طرفی شد. مفصولاً باین گروه که فقید دانه‌ای اساسی برا ی اداره نظام اجتماعی بود یا گفتگو مه‌دنیت فقهاً شیعه متصل به واجه گردید که در آن
به دلیل وجود دالهای همچون فقه، استخراج لازم را برای عرض انتقاد در کنار شاه و محقق شدن فقه مشارکی و نیابت اشتراکی فقه و سلطان را در نظام اجتماعی ایرانیان فراهم کرد.

دفاع فقهی از مفصل بندي گفتگو مهدویت با دال مرکزی امامت در منابع مختلف، نهایت ابرازی برای مقابله با قزاقیان بود به برای مقابله با شاه، زیرا آنها به این دالها پایبند نبودند. به‌لاره در شرایط موجود به واقعیت تاریخی پراوانه خوشی دادند.

در مفصل بندي فقه، فقیه در کنار شاه قرار می‌گرفت، اما مشروعیت آنها بر اساس منابع مختلف فقهی از سوی امام مطرح شده بود، هن از سوی شاه. در این اساس، می‌توان گفت گفتگو مهدویت فقهی شیعه در راستای مقابله با هر نوعی غالی‌گری قرار گرفت که منتج به جنگ نظریه اساسی در عصر صفویه شده است:

1. نظام امامت و ابتاخان در عصر غیبت، در رأس این گفتگو مهدویت. در اکثر مونون فقهی این دوره، امامت به عنوان یک دال مرکزی به چشم می‌خورد.

2. نیابت فقها انتصابی و از سوی امام معصوم است و نیاز به مشروعیت از سوی حاکم یا مردم ندارد. دال انتصاب در اکثر مونون فقهی این دوره کاملاً برجسته است.

3. نیابت فقها یک پدیده نوپرداز و بدعنوان از سوی فقها نیست. تفسیر حديث عمر بن حافظه در اکثر مونون فقهی این دوره به چشم می‌خورد.

4. فقها در نیابت ملزم به کسب ویژگی‌های تعیین شده از سوی امام هستند که به عنوان دالمهای شناور – همچون اجراء، فتوا، عادل – در مفصل بندي گفتگو مهدویت امامیه برجسته شده است.

5. فقها در عصر غیبت، ملزم به اجرای احکام شرحی هستند و سلطان و عهددار احکام غیری است. در واقع در این مفصل بندي با حضور فقه و نیاز سلطان به دانش علمی، بخشی از ولايت فقهی شیعه به عنوان نابینای امام عصر در غیبت محقق شد و فقه شیعه، جنبه مشارکتی بیدا کرد.

در مقابل فقها که از گفتگو مهدویت امامیه با دال مرکزی امامت حمایت می‌کردن، صوفیان قربانی ظاهر شدند که صورت بندی گفتگو آنها با دال مرکزی سلطانت و دالهای شناور متفاوت در مونون تاریخی ظاهر شده است.
بررسی متن تاریخی این دوره نشان داد هزمونیک شدن گفتگان مهندسی امامیه در زمان شاه طهماسب موقتی بوده و قضای گفتگانی و مورخان این عصر آمادگی پذیرش گفتگان مهندسی امامیه را نداشتند است. دالهایی چون تقدیرگری، تأویل گراپی و هرآرهگرایی که غالی گری را در مهندسی به تصویر می‌کشد و در متن تاریخی این دوره به چشم می‌خورد، برای اثبات این ادعای کافی است.

از سوی دیگر، گفتگان مهندسی امامیه در میان برخی فقهای نیمه نخستین عصر صفوی با چالش‌های جدی روبرو بوده و دالهایی چون نمای جمعه قابلیت تحقیق یافتن از سوی همه فقهی را نداشتند. این تعارضات بدون دردید در تضعیف گفتگان مهندسی امامیه و برخی‌ها شدن گفتگان مهندسی عالی‌انه بی‌تأثیر نبوده است. گفتگان مهندسی امامیه در عصر غیبت، به فرصت و مجال بیشتری نیاز داشت که هزمونیک بودند.
منابع

- ابن بزار، صدر الدين موسى (1376ش)، صفویة الصفای، تصحیح: غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، انتشارات زریاب.
- ابن خلدون (1379ق)، مقدمه، ترجمه: محمدبیوین گنابادی، تهران.
- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (1361ق)، سیره النبویه، تصحیح: مصطفی اسفا و دیگران، قاهره، پناه.
- اردبیلی، احمد بن محمد (1401ق)، جمع الفائده و الیهان فی الیهان ارشاد اذهان، فن انتشار اسلامی.
- امینی، عزالدین ابراهیم (1383ش)، فتوحات علی مسیحی تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امینی، عبدالحسین (بیتا)، الدیرین تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی.
- بخاری، محمد بن اسحاق (1501ق)، السنجید، بروت، دارالفرک.
- تنوی، فاضل احمد و دیگران (بیتا)، تاریخ الفی تهران، انتشارات کلیه.
- تهرانی، آقا بزرگ (1403ق)، الیهان الیهان الیهان، الیهان الیهان.
- بیروت، دارالیخواص.
- جعفریان، رسول (1379ش)، صفوانی در عرصه دین و فرهنگ و سیاست، شmerge آخر به دانشگاه.
- حافظیان، ابوالفضل (1382ش)، فهرست نسخه های خطی تهران، کتابخانه آستانه عبدالعظیم حسین.
- حموی ابرهیم، محمدبیوین ایساق (1363ق)، انیس الیهان تهران، بیروت و تیران.
- خلیلی نیما (1393ش)، کتابخانه خانات مشت در عصر صفوی تهران، انیس.
- انتشارات علمی و فرهنگی.
- دروایی، مصطفی (بیتا)، مجموع الفاظ غیر الیهان و درر الكلم، دفتر تیلیگات اسلامی.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (بیتا)، المفردات تهران، مکتبه.
المرتضویه.

رومالو، احسن التجاری (1357هـ)، به کوشش: دکتر عبدالحسین نوابی، تهران، انتشارات پاپک.

سلطانی، علی‌اصغر (1384هـ). قدرت، کفتنمان، زبان، تهران، نشریه.

سیوری، راجر (1366هـ), ایران عصر صفوی، ترجومه: کامیار عزیزی، تهران، نشر مکر.

شهو طهماسب صفوی (1343هـ). تذکره شاه طهماسب، به اهتمام: عبدالشکور مدیر، برلین، چاپخانه کاپیتا.

شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (1389هـ). الروفه البهیه فی شرح اللعمة الدمشقیة، ترجومه: دکتر اسدالله لطفی، تهران، مجمع علیمی و فرهنگی مجد.

مدونک الاقهام، پروت، موسسه المعارف الإسلامیه.

شیبانی، محتفی (1358هـ). تسویف و تشیع، ترجومه: علیرضا ذکایی فرازکلو، تهران، انتشارات امیرکبیر.

شیرازی، عبید بهگی (1369هـ). تکمله الاخبار، تهران، نشریه.

صفی گلپایگانی، لطفالله (1373هـ). منتخب الأثر تهران، پناه.

صداقت، محمد جواد (1391هـ). نگرش به مه‌دهیت در عصر صفویان، استاد راهنمای دکتر سید حسین فلاح‌زاده، استاد مشاور: دکتر نعمت الله صفوی فروشانی، مقطع: کارشناسی ارشد تاریخ اسلام.

صدوق، محمد بن علی بن حسین (بیتا). کمال الدين و تمام النعمة، ترجومه و تعلیق: علی‌اکبر غفایری.

صفری فروشانی، نعمت الله (1373هـ). غالبیان، تهران، استان قدس رضوی.

طباطبایی، سید محسن (1384هـ). نظام سلطانی از دیدگاه
اندیشه سیاسی شیعه، تهران، نشر تی.

- طبری، محمد بن جریر (پیتا)، تاریخ امام و الملک، پیروت، مؤسسه الافلام للمطبوعات.
  - عامی، حسین بن زین الدین (پیتا)، معالم الدین و معاذ الجهدین، قم، مکتبه الدوآر.
  - عامی، حسین بن عبدالصدیق (1378ش)، العقد الظهماسبی (دفتر دهم)، قم، میراث اسلامی ایران.

- غفاری فرد، باسلامی (1387ش)، «نقش کارکامیزرا در تفکر شیعی شاه اسماعیل صفوی»، فصل نامه تاریخ مجلات، دانشگاه آزاد اسلامی، سال سوم، شماره 10.

- غفاری قرویی، احمد (1343ش)، تاریخ جهان، را، تصحیح: مدبی، مینوی، تهران، کتاب فروشی حافظ.

فربه، داوود (1382ش)، قدرت، دانش و مبنا در اسلام، تهران، نشر نی.

- قزوینی، حسین بن عبداللطف (1363ش)، نبرد القزوه، تهران، انتشار بناد و گویا.

- فاضل، حسن احمد (1383ش)، خلاصه التواءی، تیزین: احسان اشراقی، تهران، دانشگاه تهران.

- کرکی، علی بن حسین بن عبدالعیلی (1409ش)، رسائل المعقل کرکی، تحقیق: شیخ محمد حسن، قم، مطبوعه الخیام.

- کریمی زنجانی اصل، محمد (1380ش)، امامت و سیاست در خستین سده های عربی، تهران، نشر نی.

- کریمی، محمد숃الار (1388ش)، «نظریه گفتگویان لکلا اکلا»؛ نبردی کارآمد در فهم و تبیین بدبختی سیاست، تهران، سیاست، دوره 39، شماره 3.

- کلاته‌یی، عبدالحسین (1391ش)، «تفتیمان بند سه منظوره زبان نماختی»، فلسفه و جامعه‌شناسی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.